



دعایی که همه
چیز را دگرگون
می سازد

روح القدس در دعا یاریتان می دهد

«و بر خاندان داود و بر ساکنان اورشلیم روح فیض و تضرعات را خواهم ریخت.» (زکریا ۱۲: ۱۰)

این نبوتی است که در زمانهای آخر بطور کامل واقع خواهد شد، لیکن برای ما و امروز ما نیز صادق است. ما نیز می توانیم آنها را به خود مربوط بدانیم، چرا که در مسیح جزوی از خاندان داود و ساکنین اورشلیم گشته ایم. اما زمانی خواهد آمد که این نبوت در مورد قوم یهود در اورشلیم زمینی نیز به کمال برسد.

خداوند در این آیه می گوید: «من روح فیض و تضرعات را خواهم ریخت.» فیض در ابتدای آیه آورده شده است، زیرا چیزی است که در ابتدای هر چیز به آن محتاجیم. در هر کاری که در حال انجام آن هستیم و در هر چیزی که مربوط به آینده است، به فیض احتیاج داریم؛ خدا به ما وعده می دهد که آنها را بر ما خواهد ریخت.

خدا آنچه را که ما نداریم از قلب خود به ما می دهد تا ما آنچه را که او دارد، داشته باشیم. بطور طبیعی ما فاقد روح دعا هستیم. دعا به طور طبیعی در ما جاری نمی شود. برای ما صحبت کردن، غر زدن، ناله کردن، و انجام انواع رفتارهای گفتاری دیگر امری طبیعی می باشد. اما برای انسان فیزیکی و جسم ما دعا به هیچ وجه امری طبیعی نمی باشد. بنابراین برای آنکه بتوانیم دعا کنیم، احتیاج به روح القدس داریم. وقتی روح القدس را می یابیم، او دعا را برای ما شادی بخش، جذاب و ساده می سازد.

قدرت دعا

گاهی دعا حسی شبیه یک وزنه سنگین را ایجاد می کند. این یک حقیقت است که گاهی دعا همانند یک بار سنگین می شود. این مسئله بیشتر در ارتباط با دعای شفاعتی دیده می شود که روح القدس آن را همانند یک بار سنگین بر ما می نهد، اما این احساس می تواند نتیجه مقاومت بیرونی نیز باشد به خصوص در زمانی که روح راغب به دعاست اما جسم ناطاعتی می کند. چیزهای بسیار شگفت انگیزی در دعا وجود دارد که ایمان دارم روح القدس خواستار ورود شما به آن حدود است. روح القدس می خواهد که دعا را برای شما ساده بسازد. او خواستار آن است تا در همه بخش هایی که به کمک احتیاج دارید، یاریتان کند تا قدرت تقویت شده و افزوده جدیدی را در زندگی خود تجربه نمایید.

در اول ژانویه سال ۲۰۰۰، کلیسای کلمه حیات وارد یک دوره و هزاره جدید شد. البته ما تنها نیستیم و بسیاری دیگر نیز وارد این تجربه شده اند. این یک چیز منحصر به فرد و استثنایی نیست، اما خدا کار می کند و خدمت ما را وسیع می گرداند. قرن بیستم به پایان رسید و قرن بیست و یکم آغاز شده است. خدا برای آمادگی آنچه در آینده می خواهد انجام دهد، ما را عوض می کند. خدا می خواهد این کلیسا بخشی از نقشه او شود، تا ببخشد و در بخش های مختلف پیروز شود. اما ما باید بدانیم برای تحقق آنچه که باید انجام دهیم، نیازمند دعا هستیم.

روح القدس مدد کننده ما است

«و همچنین روح نیز ضعف ما را مدد می کند، زیرا که آنچه دعا می کنیم بطوری که می باید نمی دانیم، لیکن خود روح برای ما شفاعت می کند به ناله هایی که نمی شود بیان کرد.» (رومیان ۸: ۲۶)

کار روح القدس چیست؟ او ما را مدد می کند. او همچنین ضعف ما را مدد می کند. این جمله به این معنا است که در بخش هایی که ما ضعیف هستیم، نیاز به کمک داریم. شما در بخشهایی که قوی و نیرومند هستید به کمک احتیاج ندارید، اما در بخش هایی که ضعیف و ناتوان هستید به کمک و یاری نیاز دارید.

((روح القدس مدد کننده ما)) مربوط به همه چیز است اما بالاتر از همه مربوط به بخش دعایی زندگی ماست، چنانکه آیه فوق روی آن تأکید می کند. شما می توانید از مردم، کتابها و انواع چیزهای دیگر کمک بگیرید؛ اما هیچ کمکی برتر از کمکی که روح القدس به شما می کند نیست. اگر درک کنید که می توانید کمک روح القدس را که آنجا ایستاده، آماده است، می خواهد، قادر است و همیشه برای کمک به شما با تعهد آماده است، دریافت نمایید، آنگاه می توانید همه آن نیکویی ها و کمک ها را به دست آورید.

روح القدس خدا است

مهم است که بدانید روح القدس یک مسح و لمس حسی که در پاره ای از لحظات اتفاق می افتد نیست. او صرفاً ابراز و نمایشگر خوشی در لحظات و شرایط خاصی نیست. روح القدس خدا است. این مسئله به این معنا است که هر چه را پدر دارد، پسر نیز دارد و هر چه را پسر دارد

روح القدس نیز داراست. اگر پدر قادر متعال است، پسر نیز قادر متعال است، و اگر پسر قادر متعال است، روح القدس نیز قادر متعال است. روح القدس تحت سلطه و کنترل پدر نمی باشد. در کار، پسر زیر دست پدر کار می کند و از نظر کاری روح القدس زیر دست پدر و پسر کار می کند. این مسئله تنها از لحاظ عملکرد صحت دارد و ارتباطی با شخصیت و طبیعت آنها ندارد.

روح القدس صد درصد خدا است. وقتی شما این مسئله را درک می کنید، خواهید فهمید که روح القدس خدا است که در هر ثانیه از زندگی شما در خدمت شما است. این همان چیز شگفت انگیز در روح القدس است.

ما اغلب آنچه را که روح القدس به ما عرضه می کند دریافت نکرده ایم، و آنچنان که باید نتوانسته ایم از آن چیزهایی که از او صادر می شود استفاده نماییم. این مسئله علت اصلی نیاز ما به شناخت روح القدس است.

روح القدس حلال مشکلات

«و همچنین روح نیز ضعف ما را مدد می کند، زیرا که آنچه دعا کنیم بطوری که می باید نمی دانیم، لیکن خود روح برای ما شفاعت می کند به ناله هایی که نمی شود بیان کرد.»

بیاید هم اکنون به این آیه دقت کنیم. قلبتان را با این آیه پر سازید، شما مجذوب و مفتون آن خواهید شد. کل زندگی شما می تواند در این آیه منعکس گردد. شما به واقع نمی دانید چه اتفاقی می تواند در زندگیتان که به طور عادی سپری می کنید حادث شود، ما حتی

دلایل ساده یک زندگی عادی را هم درک نمی کنیم. اغلب وضعیت به این شکل است که انگار با یک کلاه پشمی که آن را روی چشمانمان کشیده ایم در حال راه رفتن هستیم.

بارها و بارها قربانی احساسات و شرایط و مسائل پوچ و لحظه ایی شده اید که مانع حرکتتان شده و شما را بسته است. اما روح القدس همه چیز را می داند.

وقتی تولد تازه می یابید، در درون انسان درونیتان، جایی که روح القدس ساکن است، یک منبع اطلاعات وجود دارد که مربوط به تمام آن چیزهایی است که در ارتباط با زندگی شما هستند. بنابراین جواب مشکلات شما اول از همه در آسمان یافت نمی شود، بلکه در درون شماست، چرا که روح القدس در درون شما زندگی می کند.

طبیعتاً راه حل در آسمان نیز وجود دارد، اما آسمان به واسطه روح القدس بسوی ما پایین آمده و ما به واسطه تولد تازه روح القدس را دریافت کرده ایم. لذا قادرید به واسطه روح القدس که به مراتب بیشتر از شما می داند و در شما زندگی می کند، مشکلاتتان را در هر کجا که هستید، حل نمایید.

شما به کسی دسترسی دائمی دارید که می تواند مسائل را حل کند، شما را شگفت زده کرده، به زندگیتان نظم بخشیده و معجزات بسیار انجام دهد. روح القدس آن کسی است که در دسترس شما است. او خدایی است که در درون من و شما قابل دسترس گشته است، چرا که ما به خودی خود حتی نمی دانیم باید چه دعایی کنیم.

روح القدس دعا را هدایت می کند

ما می توانیم برای یک سری مطلب مختلف دعا کنیم. آیا تا به حال کسی به شما یک لیست دعایی داده است. آیا مردم تا به حال به شما گفته اند که « من فکر می کنم باید برای این موضوع دعا کنیم... ما باید برای این موضوع دعا کنیم... ما احتیاج داریم برای این مطلب دعا کنیم... دعا کردن برای این مطلب بسیار مهم است... چرا ما نمی توانیم برای این مطلب دعا کنیم؟ » آیا هرگز چینی اتفافی برای شما افتاده است؟ شما هم حتماً از پا افتاده اید. با خود اندیشیده اید: «درست است، من قادر نیستم برای چیز بیشتری دعا کنم!» شما ممکن است در دعاها در خواستی و تعهدی غرق شوید، آنقدر زیاد که دیگر نمی دانید چگونه باید دعا کرد، با این وجود شما هنوز احساس عذاب وجدان می کنید، چون فکر می کنید به قدر کافی دعا نکرده اید. شما می توانید هر آنچه را که دارای اهمیت بیشتری برای دعا کردن است به واسطه غربال و تفکیک مسائل، مشخص نمایید، اما باید بدانید این کمک شگفت انگیز تنها از طریق روح القدس صورت می پذیرد. باید برای چیزهای بسیاری دعا کنیم، اما در بعضی موارد ما تنها برای رفع تکلیف دعا می کنیم. بعضی از افراد از شما می خواهند برای مسائلی با جزئیات دقیق دعا نمایید، یا گاهی خودتان به این نتیجه می رسید که لازم است به طور دقیق برای آن مسائل دعا کنید. این مسائل و دعاها درست همانند کاغذ سمباده می باشند، شما تنها دعا می کنید.

من نمی گویم که چنین دعاهایی اشتباهند؛ اما آیا هرگز برای مسائل به طور دقیق دعا کرده اید بدون آنکه ناگهان احساس کنید که: «این آن چیزی است که باید برایش دعا می کردم اما کافی نیست و

هنوز همه آنچه را که بر عهده گرفته بودم انجام نداده ام.» شما در رابطه با این دعاها دچار عذاب وجدان می شوید چرا که قصد داشتید برای یکی از ۶۷ موضوع دعا کنید. آیا هرگز چنین اتفاقی برایتان رخ داده است؟ بله، چون برای همه ما رخ می دهد.

من قصدم این است تا شما را از این عذاب خلاص کنم. شما باید بدانید مدد کننده ای دارید که نمی خواهد باری بر شما بگذارد که آنقدر سنگین باشد که قادر به حملش نباشید. یک مباشر وجود دارد، روح القدس، اما شرط ضروری تمایل شما برای دعاست. می دانم که شما می خواهید دعا کنید، اینطور نیست؟

شادمانی در خانه عبادت

عیسی وقتی در متی ۲۱ به هیکل نزدیک می شود از اشعیا ۵۶: ۷ نقل قول می کند. او این آیه را به این دلیل نقل می کند چون در آن مکان آنچه که بیشتر مشهود بود نه دعا، که مسائل مالی و داد و ستد بود، چیزی که عیسی را آزار می داد. بنابراین صرافان و کبوتر فروشان را بیرون می کند، چرا که آنان مقصود اصلی هیکل را فراموش کرده بودند، و به جای دعا داد و ستد بود که در اوج خود قرار داشت. مردم در حیات خارجی هیکل، جایی که تجارت در آن جریان داشت، دیگر برای پرستش خدای زنده به هیکل نمی آمدند؛ آنان با خودخواهی و انگیزه های غیر روحانی و تنها به جهت کسب منافع شخصی به آن جا می آمدند. بعضی از آنها با حرص و طمع کار می کردند، اما نه همه. بسیاری تنها برای عایدی روزمره و رفع نیاز شخصی خود برای بقا کار می کردند. اما عیسی دیگر از این رفتار لبریز شده بود. این دلیل ساخته

شدن هیكل نبود. هیكل را برای مقصود دیگری ساخته بودند. عیسی می خواست تمرکز آنها را از پول، زندگی روزمره، و از آنچه که زندگی‌شان بر پایه آن استوار بود، مجدداً به تمرکز به خدای زنده برگرداند. مقصود از ساختن هیكل و نقشه و قصد ایجاد و بقای آن چه بود ؟

«ایشان را به کوه قدس خود خواهیم آورد و ایشان را در خانه عبادت خود شادمان خواهیم ساخت و قربانیهای سوختنی و ذبایح ایشان بر مذبح من قبول خواهد شد، زیرا خانه من به خانه عبادت برای تمامی قومها مسمی خواهد شد.» اشعیا ۵۶ : ۷

«وایشان را در خانه عبادت خود شادمان خواهیم ساخت.» این جمله به این معنا است که آنان در دعا شادمان خواهند شد.

به زبان ساده، یک خانه جای است که شما در آن زندگی می کنید. خدا می خواست خانه ای وجود داشته باشد که قوم او به آن وارد شده در آن زندگی کنند. خانه ای که بعدها محل سکونت روح القدس گردید، یک معبد روحانی که همان کلیساست. این محل سکونت خدا از طریق روح القدس است، مطابق آن چه که افسسیان می گوید. این آن مکانی است که شما باید داخلش شده و در آن زندگی کنید. خواست خدا برای هر خانواده ای این است که وقتی به خانه وارد می شوند، در آن خانه شادمانی وجود داشته باشد. خدا نمی خواهد در آنجا غم و کلافگی و مشکل وجود داشته باشد. باید در خانه شما شادی و آرامش وجود داشته باشد. این همان چیزی است که او برای خانواده خود [خانواده الهی] می خواهد.

این مطلب به این معنا است که وقتی شما به خانه خداوند می روید - همان خانه که او در آن زندگی می کند - (امروز کلیسا و در آن عصر، هیکل) وقتی دعا می کنید باید در آنجا احساس شادی داشته باشید. به عبارت دیگر باید برای به دست آوردن این شادی قلبتان را از هر چیزی خالی سازید و بر پدر آن خانه که پدر آسمانی شماست متمرکز شوید.

شادی خود را از دست ندهید

اولین چیزی که ممکن است در هنگام دعا از دست بدهید شادی شما است که می تواند برای دعا کننده کار را سخت سازد. بعضی از افراد آنقدر دعای خود را آب و تاب می دهند که به نظر می رسد در انتها تنها تبدیل به یک سر و صدای بی معنا می شود. در پایان این دعا دیگر نیرویی برای ما باقی نمی ماند. این دعا برای ما خسته کننده می شود، و این آن چیزی نیست که خدا می خواهد. دعا نباید خسته کننده و کسالت بار شود. اگر شما تنها با دیوار سخن گفته باشید دعا برایتان امری خسته کننده می شود، اما شما با دیوار سخن نمی گوید؛ شما با یک شخص سخن می گوید. اگر ندانید به آنچه که می گوید جوابی داده خواهد شد و آیا اصلاً ارتباطی حقیقی با اوایی که مخاطب شماست وجود دارد، دعا امری کسالت بار و خسته کننده خواهد شد. در واقع خیلی خسته کننده است وقتی هیچ جوابی در کار نیست و تنها سکوت حکم فرماست. به همین دلیل است که دعای بت پرستان تا به این اندازه سخت و دشوار است، چرا که آنها هیچ جوابی در پس دعاهای طولانی‌شان نمی گیرند. اما ما همواره جواب خود را می گیریم، زیرا دعا

رابطه ای است بین ما و یک منجی قیام کرده که او رامی شناسیم، کسی که با او صحبت می کنیم، کسی که همواره به ما جواب می دهد و با ما سخن می گوید. زمانی که در می یابید دعا لیستی از درخواست ها و وظایف مذهبی نیست، بلکه رابطه ای دائمی و هر روزه با خدای زنده است، امری لذت بخش می شود.

نظام مند بودن

ما در دعا تا آن حد که از مسیر اصلی خارج نشویم، نیاز به یک نظم خاص و برخی از عادات داریم. عیسی نیز عادت هایی داشت. او برای پرستش به بالای کوه می رفت آن هم سه روز در هفته. شاگردان نیز عادت هایی داشتند. برخی زمان های خاص برای دعا وجود دارند. این روش به ما کمک می کند تا جسم ما بر ما مسلط نگردد. دعاهایی نیز وجود دارند که می توانیم به آنها پردازیم. مزامیر پر از آنها است، و بسیاری از کلیساها هنوز به آن می پردازند، آن هم سه هزار سال پس از نگارشش توسط داود. هیچ اشتباهی در چنین دعاهایی نیست، به شرط آن که اسیر چنین دعاهایی نباشیم؛ به علاوه این دعاها می توانند به ما کمک کنند، زیرا جسم ناتوان است حتی اگر روح بخواهد.

خلاصی یافتن از گناه

دعا یک وظیفه سخت نیست که بخواهید سریعاً آن را بخوانید، بلکه چیزی به غایت پرشور و شگفت انگیز است. دعا سبکی و شادی است. اما اگر با خدا گام برنداریم می تواند خسته کننده باشد. اگر من تنها با دهانم او را حرمت نهم اما قلبم از او دور باشد، دعا نمی تواند سبک، شادی بخش و صمیمانه باشد. اگر خواستار آن هستیم که او مرا برکت

دهد اما ضرورتی نمی بینم تا با او تنها به خاطر آن که سرم جای دیگری گرم است، وقت صرف نمایم، آنگاه نه تنها برکتی نمی یابم بلکه زندگی دعایی من به تدریج جای خود را به گناه می دهد. زمانی که در زندگی ما گناه وجود دارد، دعا کردن سخت است؛ آیا تا به حال به این نکته توجه کرده اید؟ همان گونه که داود می نویسد، همه چیز به غایت سخت و سنگین می شود. به نظر می رسد که در حال خفه شدن و مردن هستیم و این حس تا زمانی که از گناهان خود توبه نکنیم ادامه خواهد یافت. اما به محض توبه و بازگشت از مسیر اشتباه، سبکی و شادی باز می گردد. من می دانم که به خانه بازگشته ام، این آن چیزی است که خدا می خواهد؛ او وعده داده که در خانه عبادت به ما شادمانی خواهد بخشید.

آنچه که انجام می دهید مقبول خواهد بود

«قربانی های سوختنی و ذبایح ایشان بر مذبح من قبول خواهد شد.» به عبارت دیگر آنچه را که در حضور خدا انجام می دهید، خدا آنرا می پذیرد و این شگفت انگیزترین چیزی است که می توانید بشنوید.

«زیرا خانه من به خانه عبادت برای تمام قومها مسمی خواهد شد.» هیکل چندین مقصود داشت، این یکی از آنها است. امروزه معبد یا هیکل، کلیسا است، جایی که ما در روح با خدا ساکن می شویم.

خانه عبادت برای تمام قومها

کلیسا خانه ایست برای تمام ملتها. همه قومها در کلیسا با هم دعا می کنند، و کلیسا برای همه قومها دعا می کند. این دقیقاً همان چیزی

است که روح القدس خواستار آن است، اما ما می توانیم آن را از یاد ببریم. اگر آن را فراموش کرده ایم لازم است که به آن باز گردیم. ما همواره خود را به عنوان کاهنان نمی بینیم، به چند دلیل آن را از یاد برده ایم. با این حال، ما همه کاهنان عهد جدید هستیم. ما همه در مفهوم کلی، کاهنان می باشیم؛ وظیفه کاهنان گذاشتن قربانی نیکو و مورد پسند خداوند، پرستش و شکر گذاری دائمی خدای زنده بود. آنان می بایست پیوسته برای مردم دعا می کردند نه برای خودشان.

پذیرش یک مذهب مصرفی که مدام می گوید: «خدایا کمکم کن، خدایا کمکم کن» کاری ساده است. اما خدا می خواهد که از چنین گودالی خارج شویم تا بتوانیم شروع به تسبیح و پرستش او نماییم و به جای تمرکز بر ملکوت خودمان؛ بر او و ملکوت او متمرکز شویم. دعا درخواست برای حل انواع و اقسام مشکلاتمان نیست. دعا ورود به عظیمترین، بارزترین، صمیمانه ترین و قدرتمند ترین رابطه ای است که انسان می تواند با خالق و خدای زنده داشته باشد. دعا انجام خدمتی روحانی در حضور اوست. با هدایت از روح القدس در می یابیم که چه نوع خدماتی را باید در حضور خدای زنده انجام داد. در پیش تخت فیض حاضر شوید، اما نه با دعاها درخواستی فوری که به سرعت به پایش رسانده و از حضور او بگریزیم؛ در پیشگاه تخت فیض او بمانیم؛ دائماً در حضور خدای زنده باشیم و از روح القدس سؤال کنیم: «چه می خواهی تا انجام دهم؟»

دعا موجبات رشد را فراهم می کند

کلیسایی که دعا می کند، رشد می کند. کلیسایی که دعا را متوقف می سازد از رشد نیز باز می ایستد. در هر کلیسایی که به مرحله ای از یقین و قطعیت رسیده است، جنگی در می گیرد تا آن انگیزه ها را مخدوش سازد و جلوی حرکت را گرفته و زندگی دعایی را بی رونق سازد تا آن مرحله که فراموش شود. اما ما هرگز دعا و زندگی دعایی خود را از دست نخواهیم داد، بلکه به جای آن هر روز آن را گسترش داده و نیرومندترش می سازیم. همه آنچه را که کلیسای کلمه حیات از سال ۱۹۸۳ تا به امروز به دست آورده و آن توفیق یافته است، همه نتیجه دهاست. هیچ چیزی نیست که ما به دست آورده باشیم و از همان ابتدا درباره آن متحداً دعا نکرده باشیم. بعضی چیزها را در سال ۱۹۹۳ به دست آوردیم، بعضی را در ۱۹۹۷، و بعضی را همین اواخر. برای آنچه که در دهه ۱۹۸۰ دعا می کردیم، جوابش را امروز می گیریم. کسانی که بعدها به کلیسای ما آمدند، امروز از میوه آنچه که ما برایش با قدرت دعا کردیم می خورند و لذت می برند.

سؤال این است که ما در سال ۲۰۰۷ چه چیزی را خواهیم دید؟ در سال ۲۰۱۳ و ۲۰۲۴ گر عیسی هنوز پیش از آن باز نگشته باشد چگونه؟ در سال ۲۰۳۳ چه چیزی را مشاهده خواهیم نمود؟ در سال ۲۰۶۷ چگونه؟ همه بستگی به این دارد که امروز چه دعایی می کنیم، ما می توانیم اذعان داریم که جوابهای شگفت انگیز بسیاری در دعاهایمان یافته ایم. ما می توانیم امروز برای موارد مختلفی دعا کنیم، و باید بدانیم که روح القدس بی نهایت فراتر از درک و تصور و خواست ما عمل خواهد نمود.

امروز درباره چه چیز باید دعا کنیم؟

روح القدس می خواهد که ما امروز درباره چه چیز دعا کنیم تا برای ۵ یا ۱۰ سال دیگر جواب شگفت انگیزی به دعايمان بدهد؟ ما نیازمندیم که این مطلب را دریابیم. ما نیاز داریم تا صدای روح القدس را بشنویم، زیرا او تنها کسی است که برای ما، از طریق ما و با ما دعا می کند. آنگاه ما می توانیم لیست ۱۳۸ موردی خود را که از موضوعات مختلف شکل گرفته بود، کنار بگذاریم، چرا که مطالبی را روح القدس به ما داده است که از همه مهمترند. آن چیز که دارای اهمیت بیشتری است باید برای ما آشکار شود، چرا که ما خودمان آن را نمی دانیم.

به علاوه روح القدس که ضعف ما را می داند، خود نیز می داند که ما باید برای چه مطلبی دعا کنیم. او خواهد گفت: «از این راه برو. این خانه دعا برای تمام قومهاست؛ از این راه برو و برای این راه از هم اکنون دعا کن!» سپس یک اشتیاق وافر بسوی شما می آید، یک شادی زیاد که وارد وجود شما می شود، و میل شما آن خواهد بود که برای آن موضوع دعا کنید. اگر می خواهید که برای آن موضوع دعا کنید و خود را وقف دعا سازید، یکسال، دوسال، پنج سال و یا ده سال بعد در این مسیر همه چیز دگرگون خواهد شد. این نتیجه دعاهاى امروز شماست. وقتی ما به موفقیت های زیادی دست می یابیم، احساس آسایش می کنیم و شروع می کنیم به فکر کردن: «اکنون یک مدرسه مسیحی این جا داریم، این و آن را داریم و...» اما این خطرناک ترین کاری است که می توانیم انجام دهیم، ما در پایان هیچ مسیری قرار نداریم، ما تازه در شروع داریم. مشکل این جا است که وقتی از ابتدا در بطن کار قرار دارید، لحظاتی فرا می رسد که اندکی خستگی به سراغتان می آید و

حس می کنید آنچه دارید دیگر کافی است - اما اصلاً این طور نیست، هیچ چیز کافی نیست!

دعا باعث بیداری می شود

در کتاب اول سموئیل باب اول، با زنی روبرو می شویم که دعا می کند. حنا دعا می کند و پسری به او داده می شود، سموئیل. با این وجود حنا بیشتر از این را می خواهد، او تنها برای آمدن یک پسر دعا نکرده بود، او برای آمدن بیداری دعا می کرد.

در آیات ۵ و ۶ می خوانیم که حنا نازا بود. هووی او، او را آزار می داد. در آیه ۸ می خوانیم: «و شوهرش القانه وی را می گفت: ای حنا چرا گریانی و چرا نمی خوری و چرا دلت غمگین است؟ آیا من برای تو از ده پسر بهتر نیستم؟»

القانه نمی دانست همسرش تا چه حد اشتیاق و آرزومند داشتن یک پسر است. ما هم می توانیم به سوی چنین فکری وسوسه شویم. ما هم می توانیم زیبایی و آرامش خود را از دست بدهیم.

حنا آرزومند یک بچه، یک پسر بود، او شادمان نبود. او خسته شده بود. مورد حمله و تحقیر بود، اما آرزوی او بالاتر و قوی تر از هر چیز دیگری بود. این یکی از فرایض عهد عتیق بود، حنا براساس آن به هیکل رفت، به سوی پدر خانه اش، جایی که خدا در آن در طریقی متفاوت از خانه شخصی حنا حاضر بود.

او به تلخی جان به نزد خدا دعا کرد و زار زار گریست. و نذر کرد و گفت «و او به تلخی جان نزد خدا وند دعا کرد و زار زار بگریست. و نذر کرده گفت: ای یهوه صباوت اگر فی الواقع بر مصیبت کنیز خود نظر

کرده، مرا به یاد آوری و کنیزک خود را فراموش نکرده، اولاد ذکوری به کنیز خود عطا فرمایی، او را تمامی عمرش به خداوند خواهیم داد، و استره بر سرش نخواهد آمد.»

اول سموئیل ۱: ۱۰-۱۳

عیلی از نظر روحانی به طور خاص بالغ نگشته بود، بنا براین آنچه را که در حال وقوع بود، درک نکرد. حتی امروزه نیز تا حدی طبیعی است که حتی افراد روحانی نیز آنچه را که اتفاق می افتد، درک نمی کنند. حنا با خدا با این جمله معامله نمی کرد: «اگر تو به من پسری بدهی، من آن را به تو می دهم» بلکه به جای آن، جایی در طول راه، قلب او عوض شده بود.

شاید شما در درونتان آرزوی چیزی را از خدا دارید. سالها می گذرد اما آرزو و خواست شما برآورده نمی شود. شما می توانید خود را قانع سازید یا بگویید: «چیزی است که می خواهم و چیزی است که خدا در کلامش آن را به من وعده داده است.»

یک بچه، یک پسر کم است. چیزی هست که من خواهان آن هستم. چیزی که خدا در کلامش آن را به من وعده داده است. چیزی وجود دارد که ما می توانیم آن را به دست آوریم، چون خدا در کلامش آن را به ما وعده داده است و چیزی که در درون شما به وجود خواهد آمد و شما در خواهید یافت که: «خدا می تواند آن را به من ببخشد.»

این همان طریقی است که حنا از خدا طلبید و از آن دست نکشید. او فقط به طلبیدن و درخواست از خدا ادامه داد، اما عیلی که قدرتی روحانی در آن عصر محسوب می شد، در زندگی اش رسوایی و مشکلاتی داشت. او دعای زن را حمل بر مستی او نمود. اما در مقابل

حنا خشمگین نشد و جواب تندی نداد، بلکه به جای آن به سادگی آنچه را که در قلبش رخ داده بود، شرح داد. عیلی در مواجهه با چنین رفتاری به حرکت درآمد و نبوتی نمود. او کلام خدا را بیان نمود، و چیزی در درون حنا اتفاق افتاد.

درد زه

این جا با زنی روبرو هستیم که آرزومند داشتن یک پسر است. اما جایی در همین مسیر او در می یابد که موضوع فراتر از تولد یک پسر است: «این موضوع تنها در ارتباط با من نیست، و تنها نیاز من به یک جواب نمی باشد، بلکه این موضوع به کشور من و ملت من نیز مرتبط است. این موضوع در ارتباط با قوم خدا است، در ارتباط با مطلبی وسیعتر.»

در آن زمان دید نبوتی کمیاب شده بود، و کلام از آسمان به ندرت نازل می شد. پس به کسی نیاز بود تا مردم را در جهت صحیح و درست هدایت نماید. چنین شخصی، یعنی یک نبی، وجود نداشت. او باید متولد می شد - و به طور طبیعی به وسیله یک زن متولد می شد - اما باید از نظر روحانی توسط زنی که دعا می کرد نیز متولد می شد. این همان چیزی است که اتفاق افتاد. حنا دعا می کرد تا حامله شد، یا به عبارت دیگر تا زمانی که خواست خدا در او و به واسطه او به انجام رسید. او دعا می کرد تا توانست در روح بر موانع غلبه نماید و آن وعده را آشکار سازد، تا کسی که باید راهنما و هادی بیداری روحانی آینده باشد در او شکل گیرد، کسی که بر تمامی قوم نبی می گردید. این دعا

را می توانیم دعای همراه با درد زه بنامیم. او به واسطه دعا چیزی را به دنیا آورد که خواست کامل خدا برای نسل بعدی بود.

این وظیفه ای است که بر شانه های کلیسا نیز قرار دارد. اگر کلیسا آن را درک ننماید، آن را از دست خواهد داد و نمی تواند وارد مرحله تازه شود؛ و باید بدانیم که اکنون زمان ورود به مرحله جدید است.

اگر شروع به دعا برای مسائلی نماییم اما در میانه راه اجازه دهیم بی میلی بر ما عارض شود، جسم و دنیا بر ما غالب می گردند و می گویند که ما قانعیم؛ در نتیجه ما نیز از دعا عقب می نشینیم و مرگ روحانی ما سر می رسد.

دعا را در زندگی خود دوباره احیا نمایید

اولین بخشی که مرگ آن زود فرا می رسد، بخش دعایی زندگیتان است. وضع به این شکل نیست که دعا ما را مجذوب خود نماید بلکه عموماً تنها آن را به عنوان یک وظیفه می شناسیم. در چنین وضعیتی دعا چیزی می شود که می خواهیم هر چه سریعتر از دستش خلاص شویم. بعد از مدتی در می یابیم که در واقع اصلاً دعا نمی کنیم، بلکه می نشینیم و در مورد مسائل مختلف فکر میکنیم. ما چیزی را از دست داده ایم که قبلاً داشتیم، بنابراین اگر آن را از دست داده ایم لازم است که بار دیگر آن را به دست آوریم. دعا باید در زندگی ما بار دیگر احیا شود.

ممکن است شما گرسنه شوید و بعد از مدتی گرسنگی تان برطرف شود. وقتی گرسنگی تان رفع می شود دیگر گرسنه نیستسد، اما این خطرناک است که دیگر گرسنه نشوید. می توانید دعا کنید و دعا را

متوقف سازید. وقتی دعا را متوقف ساختید، به طور ناخودآگاه به عقب بر می گردید، اما خودتان از آن آگاه نیستید. همه چیز به طور طبیعی خوب به نظر می رسد، اما در روح بطور فزاینده ای ضعیف و سست می شوید.

درست به همان اندازه ای که داشتن یک زندگی دعایی فعال و یک ارتباط صمیمانه و نزدیک با خدای زنده برای شما مهم است، برای همسایه شما، کلیسای خانگی تان و تمام محیط پیرامونتان نیز دارای اهمیت است. شما نمی توانید آن را تنها برای خود در نظر بگیرید، این احیا باید همه کلیسای شما را در بر گیرد.

ممکن است بگویید: «اما من با این روش مشکل دارم، این مسئله حقیقتاً برای من سخت است» به همین دلیل است که ما روح القدس را داریم. چیزهایی را که نمی توانید در دعا و زندگی دعایی خود به کار ببرید، روح القدس قادر است آنها را برای شما انجام دهد. آن چه که قدرت انجامش را ندارید، او قدرت انجامش را از طریق شما دارد. وقتی شما این مسئله را درک کنید، روح فیض و توسل می تواند آزادانه در زندگی شما جاری شود. خدا می خواهد اگر از او بطلبید، آن را در زندگی شما به انجام رساند.

هر چیز با دعا آغاز می شود

وقتی کتاب مقدس را بررسی می کنید، می بینید که هیچ چیز بدون دعا اتفاق نمی افتد. دعا بطور مطلق نقطه شروع هر چیزی است. دعا پاسخ انسان به خدا و فریاد استغاثه او بسوی خداست، و هر چیزی در این مرحله شروع می شود. اگر چیزی وجود ندارد، می توانید برای آن

دعا کنید، آن چیز به وجود می آید. اگر دچار فقدان سلامتی هستید، می توانید دعا کنید، سلامتی و شفا وارد زندگیتان می شود. اگر به موفقیت و پیروزی در کاری احتیاج دارید، برای آن دعا کنید و آن را به دست خواهید آورد. اگر بیداری نیست، می توانید برای آن دعا کنید، آنگاه بیداری پدیدار خواهد گشت.

وقتی شروع به دعا می کنید، همان روح القدس که در دعا شما را یاری می دهد، شروع به نشان دادن چیزهایی در زندگی شما می کند. او به شما خواهد گفت: «من می خواهم تو فلان رفتار را در زندگیت عوض کنی. می خواهم که آن را از زندگیت بیرون بیااندازی.» اگر این کار را همانطور که او می خواهد انجام ندهید، دعا مجدداً کسالت آور می شود و شما خواست و میل خود را به دعا از دست خواهید داد. شما از دعا فرار خواهید کرد و به جای آن می خواهید که منفعلانه بنشینید. ممکن است از مطالعه کتاب مقدس لذت ببرید، اما از جلسات دعا گریزان خواهید بود. این مطلب موعظه ای نیست که شما را ترغیب به شرکت در جلسات دعا نماید. بلکه موعظه ایست که شما را قادر می سازد ببینید اگر دعا نکنیم ملت خود را از دست خواهیم داد، اگر دعا نکنیم هرگز سرزمینمان بسوی پیروزی و موفقیت گام برنخواهد داشت. اگر ما دعا نکنیم مردم نجات نخواهند یافت. اگر دعا نکنیم، تمام چیزهای شگفت انگیزی را که خدا به ما بخشیده است، از دست خواهیم داد. اگر می خواهیم بیش از آن چه او امروز برای ما تدارک دیده، به ما ببخشد، باید بیشتر دعا کنیم.

شاید بگویید: «بله، اما آنچه که شما انتظار دارید و درباره اش صحبت می کنید، کاری بسیار سخت است و من قادر به انجام آن

نیستیم.» اما وقتی که روح القدس بر شما قرار می‌گیرد، به ناله‌هایی که نمی‌شود بیان کرد برای ما شفاعت می‌کند و شما قادر به انجام کارهایی می‌شوید که هرگز پیشتر به فکر انجامش هم نبودید.

روح القدس بی‌علاقگی و پس روی ما که در بخش‌های مختلف زندگی‌مان رخنه کرده و باعث ضعف ما در آن نقاط گردیده را برطرف می‌سازد و ما را احیا می‌کند. عادات گذشته که در ما رخنه کرده و پس روی‌ها زمانی که روی صندلی کلیسا نشسته باشیم مشخص نمی‌شوند، بلکه تنها خود را در زنگی شخصی دعایی ما خود را آشکار می‌سازند. این جایی است که روح القدس بسوی ما آمده و می‌گوید: «زندگی دعایت چگونه است؟ من می‌خواهم که تو دقایقی به من وقت بدهی، تلویزیون را خاموش کن، دست از خواندن روزنامه بکش. من می‌خواهم که اکنون دقایقی با تو باشم.» هر کدام از ما دچار چنین وضعی شده ایم و دعا را فراموش کرده ایم. قصد من در این جا این نیست که شما را دچار حس ندامت نمایم، بلکه می‌خواهم برای شما مطلب را آشکار سازم تا دفعه بعد این چنین به خواست روح القدس پاسخ بدهید: «بله این مهمتر از هر چیز دیگری است. عیسی ببخش که با وجود داشتن وقت‌های بسیار، هیچ وقتی به دعا نداده‌ام.»

ما کار وسیع و زیادی پیش رو داریم، دامنه کار ما سراسر جهان است. روح القدس تنها شما را دارد. چه کسی آن چه را که بر عهده ما گذارده‌اند، انجام خواهد داد؟ چه کسی برای برقراری آن دعا می‌کند؟ چه کسی پیروز خواهد شد؟ جواب شما و من هستیم. اگر شریر بتواند برای ما لالایی بخواند تا خوابان کند، آن هم در جایی که دعا مسئولیت ماست، هرگز موفق نخواهیم شد. ما باید در مسیر موفقیت و

پیروزی در بخش هایی حرکت کنیم که هرگز پیشتر در آن بخش ها موفقیتی نداشتیم. ما باید آینده را بسازیم و چنان رو به جلو حرکت کنیم که هرگز پیشتر نرفته ایم. اگر سموئیل به واسطه دعای حنا در معبد متولد خواهد شد و آینده را خواهد ساخت، آیا شما نیز می خواهید حنای در هیکل باشید؟ اگر جواب شما آری است، آنگاه هیکل خانه دعا برای تمام قومها خواهد شد.

دعاهای متفاوت

«اگر کسی از شما مبتلای بلایی باشد، دعا بنماید و اگر خوشحال باشد، سرود بخواند. و هرگاه کسی از شما بیمار باشد، کشیشان کلیسا را طلب کند تا برایش دعا نمایند و او را به نام خداوند به روغن تدهین کنند.» یعقوب ۵: ۱۳ و ۱۴

در ای جا با سه نوع دعای متفاوت روبرو هستیم. اگر در سختی هستید، باید دعا کنید. اگر در شادمانی هستید، باید خدا را حمد گفته و پرستش نمایید، چرا که پرستش نیز نوعی از دعا است. اگر بیمار هستید، باید رهبران را فرا بخوانید تا برای شما دعا کنند.

در ادامه در آیات ۱۵ تا ۱۸ می خوانید:

«و دعای ایمان مریض را شفا خواهد بخشید و خداوند او را برخواهد خیزانید، و اگر گناه کرده باشد، از او آمرزیده خواهد شد. نزد یکدیگر به گناهان خود اعتراف نمایید و برای یکدیگر دعا کنید تا شفا یابید، زیرا دعای مرد عادل در عمل قوت بسیار دارد. الیاس مردی بود صاحب حواس مثل ما و به تمام دل دعا کرد که باران نبارد و تا مدت سه سال و

شش ماه نبارید. و باز دعا کرد و آسمان بارید و زمین ثمر خود را
رویانید.»

دعا تا کسب پیروزی

ما اغلب فکر می کنیم که تنها اولین دعای ایلیا دعای ایمان بود:
یک دعا و سپس رعد و برق و فروریختن آتش فروبرنده از آسمان. اما
اگر بخش ایلیا در کتاب مقدس را بیشتر مطالعه کنید، خواهید دید که
او مرتبه دیگری نیز دعا کرد.

ایلیا بر بالای کوه کرمل رفت و به زمین خم شد، آنقدر که سرش را
بین زانوانش نهاده، مخفی کرد. ایلیا دعا کرد و خادمش را فرستاد تا
ببیند آیا اتفاقی افتاده است یا نه. او این عمل را ۷ مرتبه ادامه داد تا
نهایتاً خادمش به او گفت چیزی در حال اتفاق افتادن است. او ابری را
مشاهده کرد، ابری سیاه و بسیار کوچک، چیزی که چندان مهم و زیاد
نبود.

این با دعایی که ایلیا در مرتبه اول در بالای کوه نمود و آتش یهوه
فرو رخت کاملاً متفاوت است. در اینجا او هفت مرتبه دعا می کند، در
حالی که در دعای اول، او تنها یک بار دعا نمود. هفت عدد کاملی است،
و اشاره به طولانی بودن دعای ایلیا دارد.

حنا نیز به همین شکل دعا نمود. ما می خوانیم که او مدت طولانی
در هیكل دعا نمود. این آن دعایی نیست که ما یک بار به نام عیسی
مسیح می کنیم، بلکه دعاییست که تا یافتن جواب و کامل شدن نتیجه
می نماییم.

دعایی که به این شکل انجام می شود، به معنای بیدار سازی خدا نیست، چرا که خدا همواره بیدار است. نه، شما دعا می کنید تا چیزهایی در روح جهان در سر جای خود قرار گیرند، شرایط عوض شوند، و قدرتها و پادشاهان و روسای جهان عقب بنشینند. شما دعا می کنید تا روسا و قدرتهای ممالک فارس و یونان در جای خودشان نگه داشته شوند. چنانکه دانیال دعا می کند تا قوم خدا بتوانند از بابل خارج شوند و به اسرائیل باز گردند. بعضی دعاها تا زمانی طولانی تر ادامه می یابد، اما آنها نیز دعای ایمان هستند، چرا که شما می دانید این همان چیزی است که روح القدس می خواهد شما دعا نمایید.

عای ایمان

فکر کنید که چگونه یک بچه وارد دهانه رحم و کانالی می شود که می تواند از آن خارج شود. شاید این طریق چندان زیبا نباشد، اما راه دیگری وجود ندارد. روح القدس نیز می تواند مشابه همین وضعیت بر شما قرار گرفته و شما را محکم در اختیار خود گیرد. این وضعیت ممکن است روزها، هفته ها، ماهها و حتی سالها طول کشد، اما شما می دانید چیزی وجود دارد که روح القدس می خواهد برای آن دعا کنید. شما دعا می کنید تا تضمینی از آسمان دریافت کنید که دعای شما جواب داده شده است. این ایمان است، چرا که ایمان اطاعت است. شما همان دعا را به دفعات و بارها نمی کنید، شما نسبت به آنچه اتفاق می افتد نا آگاه نیستید، چرا که خدا با شما صحبت می کند. اما شما در آن دعا باقی می مانید تا زمانی که تضمینی از روح القدس دریافت نمایید که

اکنون جواب دعای خود را گرفته اید. در این شرایط ما حقیقتاً به روح القدس احتیاج داریم.

پولس می گوید، او هم به زبانهای روح دعا می کند و هم به عقل خود، ما می توانیم هم با زبانهای روح سرود بخوانیم و هم با عقل خود. این وضعیت عین دعا کردن است. این مسئله به این مفهوم نیست که شما زمانی که به عقل خود دعا می کنید در روح نیستید. شما برای آن چه که روح القدس شما را هدایت می کند دعا می کنید، چه با زبانهای روح دعا کنید و چه با عقل خود. با این وجود وقتی به زبانها دعا می کنید، کمکی خارجی که از جانب روح القدس می آید را دریافت می کنید. او شما را قوت می بخشد و از طریق شما آنچه را که در آسمان برقرار شده است بر زمین نیز برقرار می سازد. اگر من و شما این کمک روح القدس را از دست بدهیم، همه چیز را از دست خواهیم داد، آنگاه ما نیز مسیحیانی عادی خواهیم شد.

خدا می خواهد شما را در این بخش احیا کرده و قوت بخشد تا دعا به این طریق برای شما تبدیل به وضعیتی عادی و نرمال شود. او نمی خواهد که زندگی دعایی شما کسالت بار و ملال آور شود، به جای آن باید در درون شما یک میل وافر ایجاد شود که بگویید: «من باید برای این موضوع دعا کنم». اگر یک موضوع دعایی خاص زمانی که برای یک موضوع دیگر دعا می کنید برای شما باز شود، برای آن موضوع شروع به دعا می کنید. لازم است از آن چه روح القدس در قلب شما قرار داده مراقبت نمایید. اگر نخواهید که بی وقفه دعا کنید، شکست خواهید خورد، اما وقتی هدایت و اصرار روح القدس را جدی می گیرید و در این

تجربه رشد می کنید، چیزهای شگفت انگیزی در زندگیتان اتفاق می افتند.

دو چیز وقتی شروع به دعا می کنیم در زندگی ما واقع می شوند. روح القدس بر ما قرار می گیرد و ما نسبت به کناه و طغیان فردی امان ملزم می سازد و ما از هر بستگی و اسارتی که در شخصیت خود داریم آزاد می سازد. در این دعا وقتی شما برای آزادی دیگران دعا می کنید، خود نیز آزاد می شوید. شما باید این روش را در زندگی خود پیش گیرید، این مسئله شگفت انگیزتر و روح افزاتر از هر چیز دیگری است. این پاداش بزرگ شفیعان است! وقتی در روح القدس دعا می کنید، چیزهای عظیم به انجام می رسد. این دعایی قوی و مؤثر است. وقتی ما از اسرائیل در سال ۲۰۰۱ دیدن کردیم ماتیو وارد برای ما سرود خواند، وقتی او سرودش را به پایان رسانید، من دعای اختتام را نمودم. استادی از دانشگاه اورال رابرتز که در همان زمان آنجا بود، بعدها به من گفت: «اولین باری که دعا کردی شگفت انگیز بود. دومین مرتبه هم که دعا کردی شگفت انگیز بود. اما سومین بار که دعا کردی، مثل آن بود که نوری از آسمان فرو می بارد. من دعا کرده بودم که دیگر در اسرائیل جنگی نباشد».

پرفسور را هفته بعد نیز ملاقات کردم. او گفت: «من آن دعا را به خاطر می آورم. مثل آن بود که تمام بدنم را کوفته اند. وقتی تو دعا می کردی، حس می کردم که خدا گوش می دهد و دیگر جنگی نخواهد بود. دیگر آن جنگ تمام عیار نباید در خاور میانه باشد.»

وقتی ما هنوز در اسرائیل بودیم، گزارشی شنیدم که بر طبق آن یک جنگ تمام عیار قرار بود در اسرائیل به وقوع بپیوندد، اما به وقع

نیپوست. چرا؟ خدا دعای ما را می شنود. خدا دعای مقدسین را می شنود. از طریق دعا قادرید نتیجه حوادث بزرگ را عوض کنید. آنچه که دعا می تواند انجام دهد باور کردنی نیست.

هیچ بخشی در زندگی ما وجود ندارد که به اندازه بخش دعایی زندگی مان مورد تهاجم قرار گیرد. هیچ چیز دیگری وجود ندارد که همانند فقدان دعا بتواند تا این حد باعث عذاب وجدان ما شود و ضمیر ما را نا آرام و درون مارا گناه آلود بسازد. اجازه دهید صادق و بی ریا باشیم. اجازه دهید خود را وقف دعا کنیم. نه به شکلی افراطی که به تدریج برایمان ملال آور شود، یا آنقدر که در انجام کارهای دیگر سست و بی تفاوت شویم؛ بلکه اجازه دهیم تمام قلب ما خود را وقف آن چیزی نماید که خدا می خواهد، به عبارت دیگر آنچه‌مان که خانه او خانه دعا و عبادت برای تمام قومها شود!

شفیع بودن

تنها گناه می تواند مرا از دعا و خدا جدا سازد. بنابراین باید گناه را از زندگی خود دور ساخت، آنگاه مجددا روح دعا در زندگی من جاری خواهد شد، و رابطه روزانه من با عیسی مسیح برقرار خواهد گشت. چنین زندگی بهتر از داشتن یک زندگی غیر واقعی و متظاهرانه است، زیرا من ترجیح می دهم به راحتی و آسانی به نافرمانی و تجربیات انسانی اجازه ورود ندهم. بیایید شفیع شویم!

دو جاده برای رفتن وجود دارد، اما قرار نیست که راه کوتاه تر را انتخاب نماییم. همیشه یک انتخاب وجود دارد؛ هیچ وقت یک راه مقدر و تعیین شده وجود ندارد. کتاب مقدس درباره تقدیر سخن می گوید،

اما شما دارای انتخاب آزاد هستید. شما باید یکی از این دو جاده را برگزینید.

بعضی از شما هم اکنون درگیر وسوسه بزرگی هستید و چنین فکری دارید: «ما به آسودگی است که اکنون در این کلیسا تعداد زیادی عضو وجود دارد که ما می توانیم آنها را بسوی یک زندگی عادی و طبیعی هدایت کنیم.» اما این یک لعنت است. ما به یک کلیسای نرمال و عادی احتیاج نداریم. ما کلیسایی فراطبیعی می خواهیم. ما به یک کلیسای کوچک که اعضای کم آن خدا را می شناسند و راهنمایی کردن آنها احتیاجی نداریم. ما کلیسایی می خواهیم با عضوهای فراوان که خدا را می شناسند. این یک قربانی بزرگتر برای خداوند است و نیاز به وقف بیشتری دارد که مردم بیشتری را به تخت فیض خدا نزدیک سازیم. اینکه تنها یک دسته سرباز برگزیده داشته باشیم که فکر می کنند همه چیز را بهتر از دیگران می فهمند و بهترین اند، مطابق خواست و اراده خدا نیست. خدا می خواهد که همه به حضور او وارد شوند. هر فردی باید روح فیض را دریافت نماید و در زندگی خود به خداوند متوسل شود. همه باید از اعلی آراسته شویم، از کوچکترین تا بزرگترین. همه ما باید با روح القدس شراکت پیدا کنیم تا دعای ما نیرومند تر گردد و چیزهای شگفت انگیز و عظیم در دعای ما به انجام رسد. این همان چیزی است که خدا کلیسا را به آن فرا می خواند. آنگاه ما به پایان زمین خواهیم رسید. اما این اتفاق در صورتی که ما وظیفه خود را با تمام قلب خود انجام ندهیم به وقوع نمی پیوندد. باید بسیاری چیزها را به خاطر دعا از دست بدهیم و خود را وقف دعا سازیم.

وضعیت صحیح

بعضی از شما سالها در بیابان مانده اید. می گویند: «بله من هم باز می گردم. اکنون بازگشتن راحت است و سهل الوصول. کار سختی نیست و ملال آور نمی باشد.» شما در اشتباهید. سخت ترین لحظات و بزرگترین چالشها پیش روی شماست. پیروزی های شگفت انگیزی نیز پیش روی شماست. فراموش نکنید، ما موش کور نیستیم، ما همانند عقابیم.

ما وارد شرایط و وضعیتی خواهیم شد که خدا از ما می خواهد در آن قرار داشته باشیم تا آن که بدانیم و بشنویم پله بعدی را که او می خواهد از آن بالا برویم کدام است. من دعا می کنم که روح تضرع و دعا در طریقی قدرتمند بر شما قرار گیرد، بیایید خانه دعا برای تمامی قومها شویم.

درباره نویسنده

اولف اکمن مؤسس و مدیر کلیسای کلمه حیات در اوپسالای سوئد است. وی عمدتاً در گروه‌های بشارتی و خدمات بین‌المللی کلمه حیات در حال فعالیت در سراسر جهان است و تمرکز خود را بر تعلیم شبانان و رهبران قرار داده است. او در همه جا به عنوان یک واعظ پویا و معلم ایمان شناخته شده است و هدف او ترغیب مردم به بازگشت و ایمان به کلام خداوند است. اولف اکمن همچنین هفته‌ای یک بار در شبکه ماهواره ای و تلویزیونی در برنامه «روز دیگر پیروزی» ظاهر می‌شود، که در اروپا، شمال آفریقا، خاور میانه و بخش وسیعی از آسیا قابل دریافت است. اولف اکمن بالغ بر ۴۰ کتاب به رشته تحریر در آورده است که به بیش از ۳۰ زبان زنده دنیا ترجمه شده‌اند.